

قصه فردی که پیشنهاد وزارت را رد کرد!

مستند «می‌خواهد معلم باشد» به معرفی شهید سیدکاظم موسوی از شهدای هفتم تیر می‌پردازد که پیشنهاد وزارت داشت اما آن را نپذیرفت تا معلم باقی بماند. مستند می‌خواهد معلم باشد به‌کارگردانی محمودرضا حقیقی که در هشتمین جشنواره تلویزیونی مستند حضور دارد و از شبکه مستند سیما پخش شد. بر فعالیت‌های فرهنگی وی متمرکز شده است. کارگردان مستند می‌خواهد معلم باشد

درباره سوژه این مستند بیان کرد: در این مستند تلاش می‌کنیم نقش روحانیت در آموزش وپرورش پیش از انقلاب را بررسی کنیم و به این سؤال مهم پاسخ دهیم که روحانیون چه نقش و تأثیری در مدارس دخترانه و پسرانه داشته‌اند؟ باید اشاره کنیم که این افراد در آن دوره زمانی وارد تعدادی از مدارس می‌شوند و نوجوانان آن زمان را به‌گونه‌ای تربیت می‌کنند که تبدیل به یکی از ارکان اصلی رقم‌زننده پیروزی

انقلاب اسلامی می‌شوند. وی درباره دلیل نامگذاری فیلم خود گفت: یکی از مصاحبه‌شوندگان که با شهید سیدکاظم موسوی همکار بوده است، در صحبت‌هایش اشاره کرد که شهید رجایی پست وزارت آموزش وپرورش را به شهید موسوی پیشنهاد می‌کند اما او پاسخ می‌دهد که قصد دارد معلم بماند. احساس کردیم که این خاطره به خوبی بیانگر شخصیت شهیداست.



تحریریه چابک در «پاورقی»

سردبیر و نویسنده برنامه شبکه دو از جزئیات بازدید مخاطبان و بخش‌های جدید آن می‌گوید



درست همان زمانی که اغتشاشات ۱۴۰۱ شکل گرفته بود، برنامه‌ای روی آنتن رفت که تلاش می‌کرد ابعاد اخبار منتشر شده در فضای مجازی را با زبان طنز مشخص کند تا پشت پرده اخبار و افراد مرتبط



سیدهاشرفی گروه رسانه

می‌کند پاورقی پرمخاطب است. در عین حال، پوشش‌های برنامه و استقبالی که از آن می‌شود، همین گزاره را ثابت می‌کند. همچنین در بطن جامعه برخی اصطلاحات پاورقی مثل «باغ اروپا» و این‌که «پهلوی دوشاه داشت که سه بار قرار کردند» زیاد تکرار می‌شود.

محمدرضا شهبازی، مجری ثابت این برنامه پیش از این از چالش همکاری با عوامل گفته و تأکید کرده بود که تولید این برنامه با توجه به شروع ساخت آن در التهایات ۱۴۰۱، قدری

چالش‌برانگیز بوده.

میمندیان در پاسخ به این‌که روال همکاری‌ها بعد از آن اغتشاشات و شکل‌گرفتن برند پاورقی، به چه سمتی رفته، پاسخ می‌دهد: اغتشاشات تأثیر داشت اما شاید بخشی هم به این دلیل بود که هنوز برنامه‌های این چنینی خیلی پخش نشده و ممکن بود خیلی سمت آن نیابند. الان که دیدند برنامه خوب است، خیلی‌ها را دیدیم که علاقه به تولید برنامه‌های این تپیی داشتند. به همین دلیل، همکاری‌های

بیشتری صورت گرفته و بخش‌های اضافه شده را با علاقه همراهی می‌کنند.

درنگ

حجم بالای ارسال سوژه غافلگیرمان کرد

یکی از بخش‌های تازه پاورقی، پوشش سلام پاورقی است. نکته قابل توجه در مورد این بخش، ارسال ویدئو از سوی افرادی با ظاهرهای متفاوت است؛ انگار که این پوشش توانسته ماریج سکوت برخی افراد را بشکند تا حرف بزنند و بگویند که همراه این برنامه روشنگر هستند. میمندیان در این خصوص، به غافلگیر شدن عوامل از ارسال حجم بالای ویدئو اشاره

می‌دیده و حالا چیز دیگری است. هم وقت برنامه را در نظر داریم و هم قصد داریم در فضای برنامه باشد.

رصد اخبار به شیوه تخصصی

یکی از نکات برجسته پاورقی، رصد اخبار و دسته‌بندی برای نقد طنز آن است. کاری که هم زمان بر است و هم چالش‌برانگیز. میمندیان در این خصوص می‌گوید: الان دوسال است درگیر این برنامه

هستیم و مهم‌ترین چالش یا سببی که این نوع کار می‌تواند ببیند، روزمره شدن است. یعنی به این کرحتی نباید رسید که احساس کنیم صرفاً چند خبر از فضای مجازی رصد و منتشر کنیم. این کم‌کم به بیننده منتقل می‌شود و ممکن است احساس کند که دیگر چیز جدیدی نمی‌بیند. ما برای این‌که دچار این اشکال نشویم، تلاش کردیم قدری تحریریه‌مان را جابک‌تر کنیم. افرادی که در این فصل اضافه کردیم چند نفر از افرادی هستند که تخصصی‌تر به سوژه‌ها نگاه می‌کنند. تلاش کردیم

بخش‌هایی که پیش از این کمتر سراغ آن می‌رفتیم را بررسی کنیم.

کرده و می‌گوید: پاورقی همیشه ما را غافلگیر می‌کند. ابتدا فکر نمی‌کردیم این قدر سوژه برای پرداخت وجود داشته باشد. آخرین غافلگیری، همین

پوشش سلام پاورقی بود که همین‌طور به ذهن ما رسید و گفتیم یک کاری انجام دهیم. هدف‌مان برای یک قسمت بود اما آن قدر حجم استقبال بالا بود و افراد مختلف باظواهر متفاوت آن را برایمان می‌فرستادند که تعجب می‌کردیم. ما خودمان می‌گفتیم این آدم قاعدتا نباید پاورقی را ببیند! این‌طور فیلم‌ها که دست‌مان رسید شگفت‌آور بود و دیدیم افراد مختلف از نقاط متفاوت ایران برایمان فیلم می‌فرستند. این برایمان شگفت‌آور و افتخارآمیز بود.

همچنین این نکته را هم در نظر داشتیم که شوخی‌ها تکراری نشود و برخی طنزپردازان را به مجموعه اضافه کردیم تا شوخی بنویسند. در واقع می‌خواستیم نویسنده‌های بویاتر و تازه حضور

داشته باشند تا به تکرار نیفتیم.

میمندیان در فصل گذشته به فاصله‌های مختلف در قامت مجری حاضر می‌شد. انگار که برای تازه شدن نفس مجری اصلی، گاهی هم او اجرا را در دست می‌گرفت. وقتی از او می‌پرسیم چرا در فصل تازه اجرا نمی‌کند، به خنده می‌گوید که لایذ آقای شهبازی نفسش این بار زیاد شده که خودش اجرا می‌کند و نیازی به نفس تازه ندارد. او اینطور توضیح می‌دهد: اجرای من بیشتر برای نیتاندن برنامه بود. به هر حال کار روزانه مشکلاتی دارد که تلاش می‌کردم نقش پشتیبان داشته باشم. الان هم اگر شرایطش پیش بیاید، اجرا می‌کنم.



با QRکد این یکمسانجید



کرده و می‌گوید: پاورقی همیشه ما را غافلگیر می‌کند. ابتدا فکر نمی‌کردیم این قدر سوژه برای پرداخت وجود داشته باشد. آخرین غافلگیری، همین پوشش سلام پاورقی بود که همین‌طور به ذهن ما رسید و گفتیم یک کاری انجام دهیم. هدف‌مان برای یک قسمت بود اما آن قدر حجم استقبال بالا بود و افراد مختلف باظواهر متفاوت آن را برایمان می‌فرستادند که تعجب می‌کردیم. ما خودمان می‌گفتیم این آدم قاعدتا نباید پاورقی را ببیند! این‌طور فیلم‌ها که دست‌مان رسید شگفت‌آور بود و دیدیم افراد مختلف از نقاط متفاوت ایران برایمان فیلم می‌فرستند. این برایمان شگفت‌آور و افتخارآمیز بود.



دکور کامل تغییر کرده و حتی برای بخش‌های جدید هم، طراحی مجزایی در نظر گرفته شد که مثلاً اگر قرار است صدای کارشناس را داشته باشیم، قدری فضا خودمانی‌تر باشد

با اتفاقات در فضای مجازی برای مخاطب روشن شود. پاورقی اما بعد از گذشت دو سال، از یک نام تازه به یک برند پرمخاطب تبدیل شده و بسیاری از مخاطبان آن را از تلویزیون و فضای مجازی دنبال می‌کنند. پاورقی بیشترین کلیدواژه را در میان پیامک‌های هفتگی مردمی به ۱۶۲ سازمان صداوسیما دارد. چندی پیش، قسمت چهارصدم این برنامه روی آنتن رفت. به بهانه بررسی دو سال فعالیت این برنامه، با محمادمین میمندیان، سردبیر و نویسنده برنامه‌گفت‌وگو کردیم.

تأثیرگذاری با بازدید ۱۰ میلیون

بنا بر آخرین آمار تلویزیون، مخاطبان پاورقی ۱۰ میلیون بازدید را رکوردی برای برنامه‌ای این چنین ثبت شود.

محمادمین میمندیان، سردبیر و نویسنده برنامه پاورقی در خصوص رصد فصول گذشته و میزان مخاطبان به جام جم می‌گوید: یکی از مواردی که می‌توان به پر بیننده بودن پاورقی استناد کرد، آمار تلویزیون است که همیشه پاورقی از برنامه‌های پرمخاطب تلویزیون بوده و بعد از فوتبال و چند

سریال، در صدر برنامه‌های تولیدی قرار دارد.

در عین حال، آمار تماس‌های ۱۶۲ هم برای برنامه پاورقی زیاد بوده و اینها چیزهایی است که مشخص

سیما

نگاهی متفاوت به توان موشکی در «پاییز ۶۳»

مجموعه مستند «پاییز ۶۳» با محوریت شخصیت شهید حسن تهرانی‌مقدم از امروز شنبه ۱۹ آبان ماه، شنبه تا پنجشنبه حوالی ساعت ۱۹:۱۰ روانه آنتن شبکه دو سیما می‌شود. پاییز ۶۳ روایتی متفاوت از توان موشکی، شکل‌گیری و پیشرفت نیروی



هوافضای سپاه با محوریت شخصیت شهید حسن تهرانی‌مقدم است. سی‌ویکم‌ام شهریور ۱۳۵۹ رژیم بعث عراق با همه توان خود به کشورمان حمله‌ور شد؛ یکی از مهم‌ترین جنگ‌افزارهای بعثی‌ها یگان‌های توپخانه‌ای آنها بود که دائماً خاک کشور را هدف حملات خود قرار می‌داد؛ وضعیت‌اما در ایران متفاوت بود، رزمندگان سپاه و بسیج بدون دراختیار داشتن خمپاره و توپخانه به مقابله با رژیم بعث عراق می‌پرداختند. عدم سرمایه‌گذاری کافی برای تولید تجهیزات توپخانه‌ای و خمپاره در ایران عصر پهلوی، محدودیت و کیفیت تجهیزات خریداری شده موجود در کشور و تحریم تسلیحاتی موجود در زمان جنگ، موجب شد تا شهید حسن تهرانی‌مقدم طرخی را به شهید حسن باقری ارائه کند. پاییز ۶۳ که به تهیه‌کنندگی میثم دانش و کارگردانی امیرعلی آزادی تهیه و تولید شده است.

دیدگاه

علی‌مناظری روزنامه‌نگار

افغانستان هرگز هندوستان دوم نمی‌شود

از زیبایی‌های شبکه تماشا پخش شب‌های آدینه است. از آغاز روز تا بامداد می‌توانی یک سریال پر بیننده را از آغاز تا پایان به تماشا بنشینی. به تازگی سریال خوش ساخت کمپانی بخش‌شد که



بخشی از دنیای جاسوسان انگلیس و آمریکا را در پوشش دیپلمات و... در چارچوب داستانی پرکشش تصویر کرده. مانند خیانت‌ها و از پشت خنجرزدن‌هاشان به کشورهای دوست و همسو و همچنین بی‌پروا آسیب‌زدن به نزدیکان و همکاران با انگیزه‌هایی که نه بایسته است و نه ستودنی! یا جنگ سرد و ابعاد ویرانگرش بر زندگانی ملت‌ها و امیدهای کشورهای آزادی‌خواه که پاپمال منفعت‌طلبی آمریکا می‌شود و... و اما بزرگ‌ا این یادداشت، یک گزاره پراهمیت رئیس کا.گ. ب است (که در سریال با نام مستعار استاریک خوانده می‌شود) او در توضیح یک طرح آینده‌محور و راهبردی به رهبر وقت شوروی چنین سخن می‌گوید: بدون شلیک حتی یک گلوله، غرب فرو می‌پاشد و جهان چونان یک کنور متحد می‌شود.

رهبر شوروی می‌پرسد: این‌طرح چه زمانی عملی می‌شود که استاریک می‌گوید: به عمر من و شما کفاف نمی‌دهد! سخن این است که: در جنگ نرم فرهنگی علاوه بر تاتیرات فوری، دشمن با تمهیدات گوناگون و برنامه‌های بنیادی با تأثیرگذاری بر نسل‌های جوان می‌کوشد از هر شهروند کشور مقابل برای خودش یک سرباز بسازد. سربازانی که خودی‌اند اما ذهنی البته‌شده



و دیدگاهی یکسر هماهنگ با دشمن مقابل دارند. جنگ نرم فرهنگی را می‌توان در تجربه هند و انگلیس به روشنی توضیح داد. گاندی هند را مستقل اعلام می‌کند اما زبان رسمی دیوان سالاری هند یعنی زبان فارسی را برمی‌اندازد که روح اتحادبخش ملل شرق و حلقه اتصال «خاورمیانه تا دل آسیا تا شبه‌قاره تا باختر چین» است.

تبرخلاف به تدریس و آموزش زبان فارسی را گاندی با افزودن بندی به قانون اساسی زد که بایستی آموزش دوزبان انگلیسی و هندی در مدارس، رسمی شود. آیا اکنون می‌توان هندوستان را بخشی از ایران فرهنگی نامید؟ تاج محل که افتخار هندی‌هاست نه فقط معمار و طراحش که از بن تا نقش ابوانش ایرانی است.

اما هند در ارتباطاتش امروز سراپا فرنگی شده حتی در حوزه کشورهای نوزده‌شواری جایی داشته باشد یا نداشته باشد! فقط با حذف آموزش زبان فارسی، خود را یکسره از مهم‌ترین بخش تاریخ‌تمدنی‌اش تبعید کرده. این نتیجه‌همان برنامه‌های راهبردی و بلندمدت استعمار در جنگ نرم و زیرپوستی فرهنگی است که با علم‌کردن مذاهب ابتدایی و برافتنده در هند با احیای زبان‌های محلی به جای زبان بین‌المللی روزگاران پیشااستعمار یعنی فارسی به دامنه نفوذ خود و فرهنگش و گسترش قهری زبان انگلیسی توانسته کشور هفتاد و دو ملت را اولاً تجزیه کند دوما

کانون‌های بحران سیاسی دایمی در مرزهای این کشورهای نوظهور ایجاد کند سوما منافع خودش را بیمه سازد و چهارم قوام و یکپارچگی ملل شرق را براندازد که عامل اساسی از این‌زبان فارسی بوده است.



متن کامل

خاطرات کاغذی



پارک جنگلی

مریم فلاح؛ پرسى، نگهبان پارک جنگلى، مردى مهربان بود با سابقه ۳۰ سال پارکبانى. او در عین مراقبت از گل‌ها و درختان پارک، رابطه خيلى خوبى با حيوانات پارک داشت. نهنتها دغدغه سلامتى آنها را داشت که دلسوزانه مشکلات‌شان را حل کرده و گاه با آنها بازی مى‌کرد. بخش ديگرى از مشغوليت پرسى، تأمين غذای اين حيوانات بود خصوصاً در ماه‌هاى سرد سال. يکى از حيوانات اين زميست‌بوم روباه قرمز بانمکى بود که يک مخفيگاه عالى در کارگاه پرسى داشت. همين‌طور جغد حواس‌پرتى که آرزوى پرواز داشت. پارکبان سعى داشت به کمک بالن اين

حيوان پرواز را تجربه کند.



کوارکد را اسکن کنید

هم بود-اما کلافه بود از اين‌که وقتى بانکدگى به او نزديک مى‌شد، مى‌ترکيد.